

توقیع

روزنه‌ای به آفتاب

● خدامراد سلیمیان

لحاظ مقدار و حجم و چه از نظر تعداد توقیعاتی است که از سوی قلب عالم امکان، ولی عصر، صاحب الزمان علیه السلام صادر گردیده است.

امروزه نیز وقتی سخن از توقیع به میان می‌آید، ذهن به توقیعات حضرت مهدی علیه السلام منصرف می‌گردد، گرچه از دیگر ائمه علیهم السلام نیز نوشته‌هایی تحت عنوان توقیع صادر شده است.

توقیعات ائمه علیهم السلام

چنانکه اشاره شد توقیعات فراوانی از سوی امامان صادر شده است که برای نمونه ابتدا به برخی از

«توقیع» به معنی امضا کردن نامه و فرمان و نشان کردن برنامه و منشور می‌باشد، و نیز پاسخ‌هایی است که بزرگان و دولتمردان، زیر سؤال‌ها و درخواست‌های کتبی که از ایشان می‌شود، می‌نویسند.^۱»

توقیع نویسی از زمان‌های دور، بین حاکمان و فرمانروایان رواج داشته، و موارد فراوانی از توقیعات آن‌ها در متون تاریخی ثبت و ضبط شده است که امروزه قابل دسترسی است. همچنین در کتاب‌های روایی، فقهی و تاریخی شیعه، توقیع به قسمتی از نوشته‌های ائمه اطهار علیهم السلام اطلاق شده است و البته عمده آن‌ها - چه از

۱- لغتنامه دهخدا، ج ۵، ص ۷۱۴۵.

توقیعات ائمه اطهار علیهم‌السلام قبل از حضرت مهدی علیه‌السلام و سپس به بعضی از توقیعات آن حضرت اشاره می‌کنیم:

□ توقیعات امامان قبل از حضرت

مهدی علیه‌السلام

الف: امام موسی بن جعفر علیه‌السلام

در کتاب کشف الغمه آمده است که: و شاء از حسن بن علی نقل می‌کند که من به همراه دائی خودم اسماعیل بن الیاس به قصد مناسک حج حرکت کردیم، پس او نامه‌ای به سوی موسی بن جعفر علیه‌السلام به این مضمون نوشت که: من دارای دخترانی هستم، در حالی که هیچ فرزند پسر ندارم. از آن رو که مردان ما نیز کشته شده‌اند، پس دعا کنید همسرم که آبستن است پسر بیاورد و خودتان نیز نام او را معین فرمایید. پس توقیعی وارد شد که «قَدْ قَضَى اللَّهُ حَاجَتَكَ قِسْمَهُ مُحَمَّدًا؛ خداوند حاجتت را برآورده ساخت. او را محمد بنام.»

چون ما به کوفه رسیدیم، فرزند پسری به دنیا آمده بود.^۱

ب: حضرت هادی علیه‌السلام

مرحوم کلینی با ذکر سند از ایوب

بن نوح نقل می‌کند که به ابوالحسن علیه‌السلام نوشت: آیا خدای عزوجل به هر چیزی پیش از آنکه آن‌ها را بیافریند و پدید آورد آگاه بود یا آنکه نمی‌دانست تا آن‌ها را اراده کرد و علم پیدا کرد به مخلوق هنگامی که خلق کرد و به موجود هنگامی که موجود کرد؟ پس آن حضرت به خط خود مرقوم فرمود: «لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَالِمًا بِالْأَشْيَاءِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْأَشْيَاءَ كَعَلْمِهِ بِالْأَشْيَاءِ بَعْدَ مَا خَلَقَ الْأَشْيَاءَ؟» خدا همیشه پیش از خلقت اشیا به آن‌ها علم دارد، مانند علم داشتنش به آن‌ها بعد از خلقشان.»

ج: امام عسکری علیه‌السلام

سهل گوید: در سال ۲۵۵ به حضرت عسکری علیه‌السلام نوشتم که اصحاب ما شیعیان در توحید اختلاف دارند؛ بعضی گویند که او (خدا) جسم است و بعضی گویند او صورت است. اگر صلاح بدانید به چاکر خود لطف کنید و به من بیاموزید آنچه را که بر آن بایستم و از آن تجاوز نکنم.

حضرت به خط خود مرقوم

۱- کشف الغمه، ابوالحسن اربلی، ج ۳، ص ۳۶.

۲- اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۴.

فرمودند:

«سَأَلْتُ عَنِ التَّوْحِيدِ وَهَذَا عَنْكُمْ
مَعْرُورٌ، اللَّهُ وَاحِدٌ أَحَدٌ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ، خَالِقٌ وَلَيْسَ بِمَخْلُوقٍ،
يَخْلُقُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا يَشَاءُ مِنَ الْأَجْسَامِ وَ
غَيْرِ ذَلِكَ وَلَيْسَ بِجِسْمٍ وَيُصَوِّرُ مَا يَشَاءُ وَلَيْسَ
بِصُورَةٍ، جَلَّ تَنَاوُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُهُ أَنْ يَكُونَ
لَهُ شِبْهُهُ هُوَ لَا غَيْرُهُ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ!»

از توحید پرسیدی، در صورتی که
از شما بر کنار است [وظیفه شما
نیست]، خدا یگانه و یکتاست، زاده و
زاده نشده و چیزی همتای او نیست. او
خالق است و مخلوق نیست. خدای
تبارک و تعالی هر چه خواهد از جسم
و غیر جسم بیافریند و خودش جسم
نیست، آنچه خواهد صورتگری کند و
خودش صورت نیست، سپاسش
بزرگست و نام هایش مقدس تر از آنکه
برایش مانندای جز خود او باشد،
چیزی مانندش نیست و او شنوا و
بیناست.»

توقیعات حضرت مهدی علیه السلام

همانطور که اشاره شد، آنچه از
توقیعات امروزه قصد می شود،

نوشته هایی است که از ناحیه مقدسه
آخرین ذخیره الهی، وجود مقدس
صاحب الامر علیه السلام صادر شده است،
اگرچه اطلاق توقیع بر نوشته هایی که
تا کنون به آن ها اشاره شد به معنای عام
بدون اشکال است.

آنچه می توان در مورد توقیعات
حضرت مهدی علیه السلام به بحث نشست
عبارتند از:

۱- اعجاز در توقیعات

اگرچه چگونگی ارتباط نواب
خاص امام زمان علیه السلام با مقام شامخ
امامت و صدور توقیعات روشن
نیست، اما بدون شک بسیاری از این
توقیعات به گونه ای معجزه آسا صادر
شده است، به نحوی که به طور قطع
می توان گفت صدور آن ها به نحو
عادی و از شخص معمولی صورت
نگرفته است.

مثلاً نقل شده است که «محمد بن
فضل موصلی» شیعه بود ولی نیابت
«حسین بن روح» را قبول نداشت. روزی
هنگام بحث با یکی از دوستانش به نام

«حسن بن علی وجنا» و بنا به پیشنهاد او، برای آزمودن نایب امام مطلبی را کاملاً محرمانه با هم توافق کردند و «حسن بن علی وجنا» کاغذی از دفتر موصلی جدا کرد و قلمی تراشید و با آن بدون مرکب مطالبی بر روی آن ورقه نوشت، سپس آن را مهر کرد و توسط خدمتکار نزد حسین بن روح فرستاد.

ظهر همان روز در حالی که محمد بن فضل مشغول غذا خوردن بود، جواب نامه وارد شد که فصل به فصل در همان ورقه ارسالی آمده و با مرکب نوشته شده بود. محمد بن فضل در حالی که سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود همراه حسن بن وجنا محضر حسین بن روح وارد شدند و از ایشان عذر خواهی کردند.^۱ این معجزه در مرحله صدور توقیع بود. در متن توقیعات نیز موارد فراوانی از معجزات به چشم می‌خورد که بیشتر به صورت اخبار غیبی از حوادث آینده، اتفاقات پنهانی، شفای بیماران و مانند آن می‌باشد.

یک نمونه از این توقیعات زمانی صادر شد که در مورد وکلا و نمایندگان حضرت، نزد خلیفه غاصب وقت سعایت

شده بود. خلیفه برای شناسایی و دستگیری آنان دستور داد افراد ناشناسی را همراه با پول نزد آن‌ها به جاسوسی بفرستید و اگر کسی از آن‌ها چیزی پذیرفت، او را دستگیر کنید.

حضرت ولی عصر علیه السلام در این توقیع شریف خود خطاب به کلیه وکلا فرمانی صادر فرمودند مبنی بر اینکه از هیچ کس و تحت هیچ شرایطی چیزی نپذیرند و از گرفتن هر گونه چیزی خودداری نمایند و خود را بی اطلاع نشان دهند. این واقعه را مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی این گونه بیان کرده است:

حسن بن حسن علوی گوید: مردی از ندیمان روز حسنی و مرد دیگری که همراه او بود به او گفتند: اینک او (یعنی صاحب الزمان علیه السلام) اموال مردم را (به عنوان سهم امام علیه السلام) جمع می‌کند و وکلایی دارد و وکلاء آن حضرت را که در اطراف پراکنده بودند نام بردند. این خبر به گوش عبیدالله بن سلیمان وزیر رسید، وزیر همت گماشت که وکلا را بگیرد. سلطان گفت: جست و جو کنید و ببینید خود این مرد

۱- کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۳۱۵، ح ۲۶۴.

کجاست، زیرا این کار سختی است.

عبیدالله بن سلیمان گفت: وکلارا می‌گیریم. سلیمان گفت: نه، بلکه اشخاصی را که نمی‌شناسند به عنوان جاسوس با پول نزد آن‌ها می‌فرستیم، هر کس از آن‌ها پولی قبول کرد، او را می‌گیریم.

از حضرت نامه رسید که به همه وکلا دستور داده شود: از هیچ کس چیزی نگیرند و از گرفتن سهم امام خودداری نمایند و خود را به نادانی زنند. مردی ناشناس به عنوان جاسوس نزد محمد بن احمد آمد و در خلوت به او گفت: مالی همراه دارم که می‌خواهم آن را برسانم. محمد گفت: اشتباه کردی، من از این موضوع خبری ندارم. او همواره مهربانی و حيله گری می‌کرد و محمد خود را به نادانی می‌زد.

در ماجرای دیگری از سوی حضرت ولی عصر علیه السلام دستور صادر شد که در آن از زیارت کاظمین و کربلا نهی کرده بودند. پس از چند ماه معلوم شد خلیفه در آن موقع دستور داده بود که هر کس به زیارت رود در کمینش باشند و او را دستگیر کنند.^۲

۲- کتابت برخی از توقیعات به

خط مبارک حضرت مهدی علیه السلام

به تصریح عده‌ای از راویان و ناقلان

توقیعات، برخی از این نوشته‌ها به خط شریف آن حضرت به رشته تحریر در آمده است. در ذیل به نمونه‌هایی از این تصریح‌ها اشاره می‌شود:

الف) شیخ طوسی به نقل از راوی یک توقیع، این جمله را در کتاب خود نقل کرده است که:

«قَوْرَدَ جَوَابَ كِتَابِهِمْ بِحَطِّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ السَّلَامِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، عَافَانَا اللَّهُ وَإِنَّا كُمْ مِنَ الصَّلَاةِ وَالْفِتَنِ، وَوَهَبْنَا وَلَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ، وَأَجَاوَزْنَا وَإِنَّا كُمْ مِنْ سُوءِ الْمُتَقَلِّبِ...»^۳

جواب نوشته آنان به خط امام زمان علیه السلام وارد شد که: به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند، ما و شما را از گمراهی و فتنه‌ها سلامت بخشد و به ما و شما روح یقین عطا کند و ما و شما را از عاقبت بد پناه دهد...»

ب) در کمال الدین شیخ صدوق آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْعَمْرِي قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ يَقُولُ: حَرَجَ تَوْقِيعَ بِحَطِّ تَعْرِفَهُ: مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي فَقَلْبِهِ لَعْنَةٌ

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۶۷، ح ۳۰.

۲- همان، ص ۴۶۷، ح ۳۱.

۳- همان، ص ۲۸۵، ج ۲۴۵.

الله؛

محمد بن عثمان عمری رضی الله عنهما می‌گوید:
توقیعی به خطی که ما آن را می‌شناختیم
خارج شد [و مشتمل بر این مسأله بود که]
هر کس مرا در میان جمعی از مردم به اسم
خودم نام ببرد، پس لعنت الهی بر او باد. ۲»
ج) همچنین در کتاب کمال الدین
شیخ صدوق آمده است:

«إِسْحَاقُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ
بْنَ عُثْمَانَ الْعَمْرِيَّ رضی الله عنهما أَنْ يُوصِلَ إِلَيَّ كِتَابًا قَدْ
سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَيَّ، فَوَرَدَ فِي
التَّوْقِيعِ وَيَخْطُ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام:

أَمَّا مَا سَأَلْتُ عَنْهُ أَرَشَدَكَ اللَّهُ وَكَتَبَكَ مِنْ
أَقْرَبِ الْمُتَكِرِّبِينَ لِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِنَا وَبَنِي عَمَّنَا
فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ
وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَسَبِيلُهُ سَبِيلِ ابْنِ
نُوحٍ عليه السلام وَأَمَّا سَبِيلُ عَمِّي جَعْفَرٍ وَوَلَدِهِ فَسَبِيلُ
إِخْوَةِ يُوسُفَ عليه السلام ... ۳؛ اسحاق بن یعقوب
گوید: از محمد بن عثمان عمری خواهش
کردم نامه‌ای را که در آن از مسائل مشکلی
پرسش کرده بودم، به من برساند، پس در
توقیع و به خط مولایمان صاحب
الزمان عليه السلام وارد شده بود که:

اما آنچه درباره آن پرسیدی - که
خدایت هدایت کند و پایدارت بدارد -

راجع به امر منکران من از خاندان و
عموزادگان خودم، بدان که میان خدا و
کسی خویشاوندی نیست و هر کس مرا
منکر باشد از من نیست و راه او راه فرزند
نوح عليه السلام است. و اما راه عموم جعفر و
فرزندانش، راه برادران یوسف عليه السلام
است...»

عبارات فوق گویای این مطلب است
که بزرگان محدثین اطمینان داشته‌اند که
توقیعات به خط خود حضرت حجت عليه السلام
است.

با توجه به اینکه در طول مدت نیابت
سفیران چهارگانه، این توقیعات به طور
یکنواخت صادر می‌شد، شیوه‌ای کاملاً
مطمئن برای یقین به صدور آن‌ها از شخص
امام عليه السلام بود و راه کلی برای افراد
فرصت طلب و مغرض می‌بست که هرگز
نتوانند نامه‌های جعلی به نام آن حضرت
فراهم آورند و مردم را فریب دهند.
البته قابل ذکر است که تنها افراد

- ۱- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۶۰، ج ۳.
- ۲- برخی از علمای شیعه حرمت تسمیه
حضرت مهدی عليه السلام با نام را مخصوص مواردی
که خوف خطر باشد می‌دانند.
- ۳- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۶۰، ج ۴.

شخص مورد اعتمادی به شیخ مفید^{رحمه} رسیده، ولی نام آن شخص ذکر نشده است. یکی از این نامه‌ها این گونه آغاز می‌شود:

«الْبَاحِ السَّدِيدِ، وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ، الشَّيْخِ الْمُفِيدِ، أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ التَّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ إِعْزَاؤَهُ مِنْ مُسْتَوْدَعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُودِ عَلَى الْعِيَادِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَمَّا بَعْدُ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمَخْصُوصُ فِينَا بِالْيَقِينِ، فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ...! نامه‌ای به برادر با ایمان و دوست رشید، ابو عبد الله محمد بن نعمان - شیخ مفید - که خداوند عزت وی را از محل ودیعه نهادن عهدی که بر بندگان گرفته شده است، مستدام بدارد. به نام خداوند بخشنده مهربان، اما بعد، سلام بر تو ای دوستی که در دین مخلص و در مورد ما به یقین مخصوص گشته‌ای. ما در مورد [نعمت وجود] تو، خداوند را سپاسگذاریم...»

همچنین برخی از معاصرین، پیامی را که از سوی آن حضرت برای مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی توسط مرحوم شیخ محمد کوفی شوشتری نقل شده است،

خاص و مورد اعتمادی توقیعات را به خط امام مشاهده می‌کردند، سپس از روی آن‌ها نسخه برداری و رونویسی کرده یا مضمون آن‌ها را به ذهن می‌سپردند. اگر چه برخی از این توقیعات نیز بنابر اقتضای مصلحت در بین عموم شیعیان منتشر می‌شد. همه توقیعات حضرت مهدی^{عجله} توسط نواب خاص آن حضرت در طول غیبت صغری برای افراد ظاهر می‌شد و ارتباط کتبی با حضرتش منحصرأ از طریق ایشان انجام پذیر بود به صورتی که حتی وکلای آن حضرت نامه‌های خود و دیگران را نزد نایب امام می‌فرستادند و از او پاسخ دریافت می‌کردند و اساساً فلسفه نیابت خاصه نیز همین است و گر نه اگر هر کسی بتواند به شرف گرفتن توقیع نائل آید، دیگر چه نیازی به نایب خاص بود؟

۳- توقیعات در دوران غیبت کبری

برخی از علماء، توقیعات را منحصر به زمان غیبت صغری و نواب خاص ندانسته‌اند و نامه‌هایی را به آن حضرت نسبت داده‌اند که قبول یا رد آن تأمل بیشتری می‌طلبد. از جمله مرحوم طبرسی نامه‌هایی از حضرت مهدی^{عجله} به شیخ مفید^{رحمه} را نقل کرده است. این نامه‌ها توسط

گستره وسیعی را در بر می‌گرفت؛ از معارف و حقایق دینی گرفته تا امور تربیتی و برنامه‌های زندگی فردی و اجتماعی و موضوعات دیگر که فهرست اجمالی آن‌ها بدین قرار است:

الف: مباحث عقیدتی؛ در زمینه‌های مختلف توحید، نبوت، امامت، معاد و امثال آن^۳

ب: مباحث اجتماعی؛ شامل مسائل اخلاقی، تربیتی، شؤون اقتصادی و مشکلات مالی^۴

ج: وظایف و تکالیف شیعیان در عصر غیبت؛ مانند توجه به خداوند متعال، ایجاد زمینه‌های خودسازی، ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام، پیروی از آن حضرت، آمادگی برای برپایی حکومت عدل و قسط توسط حضرت مهدی علیه السلام و...^۵

د: احکام و مسائل فقهی؛ مانند نماز،

در شمار توقیعات ذکر کرده‌اند. در این نامه چنین می‌خوانیم: «إِرْحَضْ نَفْسَكَ وَاجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدَّهْلِيزِ وَأَقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ، تَحْتَ تَنْصُرِكَ؛ خودت را در اختیار [مردم] بگذار و محل نشستن خویش را در محل در ورودی خانه قرار بده [تا مردم سریعتر بتوانند با تو ارتباط پیدا کنند] و حوایج مردم را برآور. ما تو را یاری می‌کنیم.»

۴- چگونگی صدور توقیعات

در عصر غیبت صغری، سفیران حضرت مهدی علیه السلام سؤالات و درخواست‌های مراجعه‌کنندگان را در یک ورقه به نوبت می‌نوشتند، آنگاه جواب آن‌ها - که حداکثر ظرف سه روز صادر می‌شد - یکجا می‌آمد. گاهی نیز جواب پرسش‌ها به صورت شفاهی به نواب خاص گفته شده و ایشان به قلم خود آن را نگاشته و یا به صورت حضوری به سؤال‌کننده پاسخ می‌دادند. در پاره‌ای از موارد نیز - به جهت مصلحتی که حضرت می‌دانستند - اصلاً پاسخی صادر نمی‌شد. برخی از توقیعات نیز ابتداءً و بدون اینکه در جواب پرسشی باشد صادر شده است.

۵- موضوعات توقیعات

موضوعات مندرج در توقیعات

۱- مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله، محمد خادمی شیرازی، ص ۱۷۰.
 ۲- ر.ک: کتاب الغیبة، ص ۳۷۰ و الخرایج و الجرایح، ج ۱، ص ۴۷۹.
 ۳- ر.ک: الاحتجاج، ص ۴۶۷ به بعد.
 ۴- همان.
 ۵- ر.ک: الخرایج و الجرائح، قطب راوندی، ج ۲، ص ۹۰۲؛ کتاب الغیبة، ص ۲۸۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۱۶۰.

صادر شده و مایه رسوایی و انزوای مدعیان دروغگو را فراهم می نمود.

گاهی می شد که توقیعات صادر شده از حضرت مهدی علیه السلام بر هیچ یک از موارد ذکر شده مشتمل نمی شد، بلکه تنها به خاطر دفع خطر از شیعیان صادر می گردید، بویژه در عصری که حاکمان ستمگر، برای شناسایی، آزار و نابودی شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کمر بسته، تمام همت خویش را به کار می گرفتند و چه بسا نقشه های زیرکانه ای طرح می کردند تا بلکه بتوانند تمامی آن ها را از بین ببرند. تنها راه نجات از دام بدخواهان و کسینه توزان، همین توقیعات بود که آن حضرت به وسیله آن ها و با الهام های الهی شیعه را نجات می بخشید.

نمونه ای از این گونه توقیعات را در بحث «اعجاز در توقیعات» مطالعه کردید.

روزه، حج، نذر، خمس، ازدواج و مانند آن^۱

همه امور شخصی کسانی که از آن حضرت درخواست پاسخ می کردند؛ از قبیل نامگذاری فرزندان، انتخاب دوست، اجازه مسافرت و مانند آن^۲

و: نصب و تأیید نواب و وکلا و امور مربوط به آن ها، افشا کردن تزویر مدعیان دروغین و طرد منحرفین و غلات.

در عصر غیبت صغری افرادی به عناوین مختلف و با مقاصد گوناگونی به دروغ ادعاهایی می کردند و سعی داشتند دوستان و پیروان ائمه رابه سوی خود جلب کرده، فریب دهند و گمراه سازند. با توجه به اینکه این قبیل افراد کم و بیش در بین شیعیان آن زمان شهرت و احترامی داشتند و غالباً زیر پوشش ادعای نیابت و

سفارت حضرت مهدی علیه السلام دام های خود را می گسترانیدند، خطر آن ها برای شیعیان و مسلمانان از خطر دیگر دشمنان اسلام کمتر نبود و افشای تزویر و برداشتن نقاب از چهره آن ها و طردشان از جوامع شیعی، ضرورت داشت. از این رو توقیعات مهمی درباره این افراد و بیزاری حضرت ولی عصر علیه السلام از آن ها از سوی آن جناب

۱- ر.ک: الاحتجاج، ص ۴۸۱، توقیع به محمد بن عبدالله حمیری.

۲- ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۳۰۸، حدیث ۲۶۱ و ۲۶۶؛ کافی، ج ۲، ص ۴۵۷، ح ۱۰، ۱۱، ۱۲.